

خطیب، همانجا؛ ابن طاووس، علی، اقبال، ۳۲۲). در میان این مشایخ، بجز بغدادیان، از ساکنان بصره و کوفه نیز دیده می‌شوند که نشان از سفر احتمالی ابن همام به این دو شهر دارد. در سندی نیز از حضور وی در رجه سخن رفته که به قرینه روایت ابن همام از یک شخص کوفی در آنجا، برمی‌آید که مقصود از رجه جایی جز رجه کوفه نیست و نمی‌توان آن را دلیلی بر سفر ابن همام به رجه شام دانست (نک: خزاز، ۳۱).

در برخی اسانید، به روایت ابن همام از ابراهیم بن هاشم قمی و محمد بن عیسی بن عبید یقظنی اشاره رفته است که باید در صحت ضبط این روایات تردید کرد (نک: طوسی، الفهرست، ۱۴۰ - ۱۴۱؛ دلائل الامامة، ۲۹۰). درباره روایت ابن همام از ابن عقده و محمد بن جریر طبری (احتمالاً طبری مورخ) که در «نوادیر الاثر» ابن رازی (ص ۴۲، ۴۳) آمده است، باید با تردید نگریست، چرا که اسناد این روایات خالی از خدشه نیست و ابن رازی نمی‌توانسته، چنانکه در این دو روایت آمده است، بی‌واسطه از ابن همام نقل حدیث کرده باشد. در میان مشایخ ابن همام، کسانی با گرایشها و مذاهب گوناگون همچون اهل سنت، و ائمه و نیز غلاتی چون اسحاق بن محمد احمر نخعی (نک: کشی، ۲۵۸، که از این شخص با عنوان اسحاق بن احمد نخعی نام برده است)، وجود داشته‌اند.

ابن همام در عصر خود به عنوان یکی از بزرگ‌ترین محدثان بغداد شناخته می‌شده است، چنانکه نجاشی و طوسی او را با عناوین «شیخ اصحابنا و متقدمهم» و «جلیل القدر» ستوده و ضمن بیان عظمت منزلت وی، امانت در نقل حدیث وسعه روایت او را مورد تأکید قرار داده‌اند (نجاشی، ۱۲۲، ۳۷۹؛ طوسی، رجال، ۴۹۴؛ الفهرست، ۱۴۱؛ نیز نک: ابن ادریس، ۶۵۶/۱). از آنجا که ابن همام نزد مشایخ اهل سنت نیز به استماع حدیث پرداخته بود، در میان روایات باقی مانده از او احادیثی با طرق روایی غیر شیعی هم دیده می‌شود (ابن رازی، همانجا؛ خزاز، ۶۹؛ نیز نک: خطیب، همانجا).

ابن همام به عنوان یک عالم برجسته امامی در بخش عمده‌ای از دوره غیبت صغری و در زمانی مقارن با ایام نواب اربعه امام زمان (ع)، توانست در موقعیتهای حساس به تبیین مبانی اعتقادی و سیاسی امامیه بپردازد. با بررسی آثار وی چون کمال الدین ابن بابویه، الغیبه طوسی و دلائل الامامة منسوب به ابن رستم طبری، می‌توان نقش ابن همام را در تبیین مسائل مربوط به امام زمان (ع) و غیبت آن حضرت و اخبار مربوط به نواب اربعه تا حدی تصویر کرد. رابطه نزدیک ابن همام با محمد بن عثمان عمری و نقل برخی مسائل به طریق خود از عمری نیز قابل ذکر است (نک: ابن بابویه، ۴۸۳/۲؛ طوسی، الغیبه، ۲۹۷). همچنین به هنگام مرگ محمد بن عثمان عمری، ابن همام و ابوسهل نوبختی و جمعی دیگر که در دو روایت با عنوان «وجوه و اکابر شیعه» معرفی شده‌اند، به عنوان شاهد بر نیابت حسین بن روح نوبختی، نزد عمری حضور داشته‌اند (همان، ۳۷۱ - ۳۷۲) و این مطلب با توجه به اینکه ابن

ق در مصر به چاپ رسیده است.

ب - خطی: ۱. الاصول المنیفة للامام ابی حنیفة، که گفته‌اند توسط ابن همام تألیف شده و دو نسخه از آن موجود است (ازهریه، ۹۶/۳)؛ ۲. اقتداء الحنفیة بالشافعیة، که به گفته بروکلیمان نسخه‌ای از آن در کتابخانه اصفیه وجود دارد (GAL, S, I/92)؛ ۳. عقیده، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه گوتا نگهداری می‌شود (برج، شم (3) 652)؛ ۴. فواتح الافکار فی شرح لمعات الانوار که شرحی است بر مقدمه او در علم تشریح که نسخه‌ای از آن در برلین یافت می‌شود (الوارث، شم 6252).

مأخذ: ابن امیر حاج، محمد بن محمد، التفریر والتجیر، ۱۳۱۶ ق؛ ابن ایاس، محمد بن احمد، بدائع الزهور، به کوشش محمد مصطفی، قاهره، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م؛ ابن نقری بردی، النجوم؛ ابن همام، محمد بن عبدالواحد، فتح القدر، مصر، ۱۳۱۹ ق؛ ازهریه، فهرست؛ تیسلی، تقی‌الدین بن عبدالقادر، التراجم السنیة، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز؛ حاجی خلیفه، کشف زرکلی، اعلام سخاری، محمد بن عبدالرحمن، الاعلان بالتاریخ، به کوشش فرانسس روزنتال، ترجمه مقدمه از صالح احمد، بغداد، ۱۳۸۲ ق؛ هوالمضوء الامع، قاهره، ۱۳۵۴ ق / ۱۹۶۴ م؛ سیوطی، بغیة الوعاة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م؛ لکنوی، محمد عبدالحی، الفوائد البهیة، بیروت، ۱۳۲۴ ق؛ مراغی، عبدالله مصطفی، الفتح السینی، بیروت، ۱۹۷۴ م؛ نیز:

Ahlwardt; GAL; GAL, S; persch.

محمدهادی مؤذن جامی

ابن همام اسکافی، ابوعلی محمد بن ابی بکر همام بن سهیل بن بیزان، ملقب به کاتب (۲۵۸ - ۱۹ جمادی الآخر ۳۳۶ ق / ۸۷۲ - ۵ ژانویه ۹۴۸ م). از محدثان ایرانی تبار امامی مذهب، سبب انتساب وی به اسکاف (از نواحی نهروان بین بغداد و واسط) روشن نیست، ولی احتمال می‌رود نیاکانش که زرتشتی بوده‌اند (نجاشی، ۳۷۹)، در آنجا سکنی داشته‌اند. همچنین به سبب انتساب وی به جدش بیزان، سمعانی (۳۹۵/۲) اورا بیزانی خوانده است.

به گزارش نجاشی (ص ۳۷۹ - ۳۸۰)، نخستین کسی که از خاندان ابن همام به اسلام گرویده، مابنداد (ماه بنداد) برادر سهیل و عموی همام بوده است. از این رو سابقه گروش این خاندان به اسلام چندان دور نبوده است و می‌بایست آنان را از زرتشتیهای دوره اسلامی در منطقه عراق به شمار آورد که پس از قبول اسلام به مذهب شیعه گرویده‌اند. نجاشی در دنباله گزارش خود، داستانی را در مورد چگونگی شیعه شدن مابنداد و سهیل نقل می‌کند. به هر روی گرچه از ارتباط این دو با ائمه امامیه اطلاعی نداریم، اما می‌دانیم که همام بن سهیل در حدیث دستی داشته (نک: نعمانی، ۶۷) و یک بار با امام حسن عسکری (ع) مکاتبه کرده است (نجاشی، ۳۸۰).

زادگاه ابن همام دانسته نیست، اما می‌دانیم که در بغداد سکنی داشته است (خطیب، ۳۶۵/۳). از مشایخ وی باید از پدر و نیز دایی اش احمد بن مابنداد، احمد بن ادریس قمی، ابوجعفر ابن رستم نحوی، جعفر بن محمد بن مالک فزاری، حسن بن محمد بن جمهور عمی، حمید بن زیاد کوفی، عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن موسی بن حماد بربری نام برد (نعمانی، ۶۷، ۱۴۰، ۱۵۰؛ مفید، الامالی، ۵۹؛

عبدالکریم، ۸۶)، المزار شیخ مفید (ص ۴۸ - ۴۹، جم) و برخی آثار دیگر نقل شده است.

درباره کتاب التمهیص که به ابن همام منسوب شده (نک: مجلسی، ۱۷/۱، ۳۴) و در قم (۱۴۰۴ ق) به چاپ رسیده است، نمی‌توان به قطع سخن گفت، زیرا افزون بر اینکه در آثار متقدمان اشاره‌ای به عنوان چنین اثری از ابن همام نشده است، در خود کتاب نیز قرینه استواری بر این انتساب وجود ندارد. نام ابن همام که در آغاز سند نخستین کتاب آمده است (نک: ص ۳۰)، نمی‌تواند دلیل کافی بر انتساب تألیف کتاب به ابن همام بوده باشد.

ابن همام محدثی برجسته و حلقه‌ای اساسی در زنجیره‌های روایی امامیه محسوب می‌شود، چنانکه برخی از اصول حدیث امامیه همچون اصلهای زید زراد و عاصم بن حمید (نک: الاصول الستة عشر، ۱۵، ۲، جم) و نیز کتاب الرسالة الذهبية (ص ۳ - ۴) و کتاب سلیم بن قیس هلالی (ص ۶۴) از طریق او به آیندگان رسیده است. ظاهراً ابن همام کتابی در فهرست آثار امامیه داشته که مورد استفاده وسیع نجاشی در الرجال (ص ۲۵۳، ۲۹۳، جم) و طوسی در الفهرست (ص ۷۸، جم) قرار گرفته است. همچنین ابن ندیم (ص ۲۷۸، ۲۷۶ - ۲۷۹) و غضائری (ص ۱۹۰ - ۱۹۲) از برخی گفته‌های رجالی وی بهره برده‌اند.

ابن همام به گفته خطیب بغدادی (همانجا) و طوسی (رجال، ۴۹۴) در ۳۳۲ ق و به گفته نجاشی (ص ۳۸۰) در ۳۳۶ ق در گذشته است، اما به جهت دقتی که در گفتار نجاشی دیده می‌شود، تاریخ اخیر مرجع می‌نماید. خطیب بغدادی (همانجا) همچنین یادآور شده است که ابن همام در بغداد درگذشت و در مقابر قریش به خاک سپرده شد.

مأخذ ابن ادریس، محمد السرائر، قم، ۱۴۱۰ ق؛ ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۰ ق؛ ابن رازی، جعفر بن احمد، «نوادیر الاثر»، همراه جامع الاحادیث، تهران، ۱۳۶۹ ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، چاپخانه علمیه، ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد، فرحة القری، نجف، ۱۳۶۳ ق؛ ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران، ۱۳۹۰ ق؛ همو، الیقین، نجف، ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰م؛ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف، ۱۳۵۶ ق؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابوغالب زواری، احمد بن محمد، رساله فی ذکر آل اعمین، به کوشش محمدرضا حسینی، قم، ۱۴۱۱ ق؛ الاصول الستة عشر، به کوشش حسن مصطفوی، تهران، ۱۳۷۱ ق؛ تاریخ اهل البيت (ع)، به کوشش محمدرضا حسینی، قم، ۱۴۱۰ ق؛ التمهیص، منسوب به ابن همام اسکافی، قم، ۱۴۰۴ ق؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، به کوشش محمد رازی، تهران، ۱۳۸۹ ق؛ خزانه، علی بن محمد، کفایة الاثر، قم، ۱۴۰۱ ق؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹ ق؛ دلائل الامامة، منسوب به ابن رستم طبری، نجف، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳م؛ الرسالة الذهبية، به کوشش محمد مهدی نجف، قم، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲م؛ سعمانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳م؛ طوسی، محمد بن حسن، رجال، به کوشش محمدرضا بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۱م؛ همو، الفیة، قم، ۱۴۱۱ ق؛ همو، الفهرست، به کوشش محمدرضا بحر العلوم، نجف، کتابخانه مرتضویه؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر، به کوشش طبیب موسوی جزائری، نجف، ۱۳۸۷ ق؛ عیون المعجزات، منسوب به حسین بن عبدالوهاب، نجف، ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰م؛ غضائری، حسین بن عبدالله، «تکملة رسالة ابی غالب...»، همراه رساله فی ذکر آل اعمین (نک: همو، ابوغالب زواری)؛ کتاب سلیم بن قیس، بیروت، مؤسسه الاعلمی؛ کنسی، محمد، معرفة الرجال،

همام در آن زمان در قیاس با ابوسهل، سن زیادی نداشته است، مهم‌تر جلوه می‌کند، در دوران حسین بن روح نوبختی نیز ابن همام، معاشر وی شمرده می‌شده است. به عنوان نمونه ابن همام از طرف نوبختی مأمور می‌شود تا توقیعی را که وی در ذیحجه ۳۱۲ از زندان در باب لعن ابن ابی العزاقر شلمغانی به او داده بود، برای دیگران بازگو نماید (نک: همان، ۳۰۷ - ۳۰۸، ۴۰۸ - ۴۱۲). ابن همام با شلمغانی آشنایی نزدیکی داشته و یک بار هم شلمغانی برخی سخنان غلوآمیز خود را به او گفته بوده است (نک: همان، ۴۰۸) و در میان آثار ابن ابی العزاقر نیز کتابی با عنوان رساله الی ابن همام نام برده شده که قابل تأمل است (نک: نجاشی، ۳۷۸).

در میان شاگردان ابن همام باید از ابوالحسن ابن جندی، ابوغالب زراری، جعفر بن محمد بن قولویه، محمد بن احمد صفوانی، محمد بن ابراهیم نعمانی، محمد بن احمد ابن داوود قمی، محمد بن عباس ابن حجام، ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی، ابوالجیش مظفر بن محمد بلخی، هارون بن موسی تلکبری و معافی بن زکریا ابن طرار نام برد (نعمانی، ۲۴؛ ابن قولویه، ۱۳۷، ۱۸۵؛ ابوغالب، ۱۷۶؛ غضائری، ۱۹۰؛ مفید، الامالی، ۳۱۰؛ نجاشی، ۳۸۰؛ طوسی، الفیة، الفهرست، همانجاها؛ خطیب، همانجا؛ ابن طاووس، علی، الیقین، ۸۹). در نسخه موجود تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۱۰۲/۲، جم) روایاتی هست که دلالت بر استفاده مؤلف از ابن همام دارد، اما با توجه به طبقه رجالی علی بن ابراهیم و ابن همام، احتمال می‌رود که این روایات از اضافات جامع این تفسیر بوده باشد. همچنین روایتی با واسطه کنسی از ابن همام که در اختیار معرفة الرجال (همانجا) دیده می‌شود، نیز شایان تأمل است.

در منابع متقدم تنها نجاشی (همانجا) به یک اثر ابن همام با عنوان الانوار فی تاریخ الائمة (ع) اشاره کرده است. از کتاب الانوار که بنا بر برخی منقولات موجود، اثر مهمی در زمینه تاریخ ائمه (ع) بوده است، امروزه نشانی در دست نیست، اما منقولاتی از آن در عیون المعجزات منسوب به حسین بن عبدالوهاب - از مؤلفان سده ۵ ق - دیده می‌شود (نک: ص ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۵۹، ۱۱۷). همچنین این کتاب در سده ۶ ق مورد استفاده ابن شهر آشوب (۱۷۴/۲، ۲۷۵/۳، ۴۲/۴، جم) و ابن ادریس (همانجا) و در سده ۷ ق مورد استفاده عبدالکریم ابن طاووس (ص ۱۰۹) قرار گرفته است. منتخبی از آن نیز نزد مجلسی (۱۷/۱) موجود بوده است. ظاهراً منقولاتی که در زمینه تاریخ ائمه (ع) از ابن همام در آثاری همچون الفیة طوسی (ص ۲۶۳، جم) و دلائل الامامة منسوب به ابن رستم طبری (ص ۹، جم) نقل شده، برگرفته از همین کتاب است (نیز نک: تاریخ اهل البيت، ۱۲۴ - ۱۲۵).

حر عاملی در وسائل الشیعة (۴۸/۲۰) کتابی با عنوان المزار به ابن همام نسبت داده که مستند آن دانسته نیست؛ تنها می‌دانیم که روایاتی در خصوص زیارات و ادعیه به نقل از ابن همام در کامل الزیارات ابن قولویه (ص ۱۳۷، جم)، المزار ابن داوود قمی (نک: ابن طاووس،